

1- عین الخطأ حسب التوضیحات:

(الف) «الجرارة» وسیله نقل المسافرين من بلد إلى آخر!

(ب) «بني» لفظ يُطلق على ولد صغير حباً له!

(ج) «الموقف» مكان وقوف السيارات و الحافلات!

(د) «المعطل» صفة لجهاز أو آلة أو أداة بحاجة إلى التصليح!

2- عین ما فيه جمع التکسیر أكثر:

(الف) أصدقائي يريدون أن يصعدوا قمم الجبال التي تقع في أوروبا!

(ب) وجدت أمي حزينه حيث كانت الدموع تتساقط من عينيها!

(ج) في مزارعنا أجهزة معطلة فبحاجة إلى التصليح في أقرب فرصة ممكنة!

(د) أتمنى أن أزور تلك الأماكن المقدسة مع أقرابي!

3- عين الخطأ للفرغات:

(الف) ..... حالة من النشاط و البهجة شعر به عند الفرح: الوهن

(ب) .....وسيلة لمشاهدة مشاهد متحركة و يعمل بالطاقة الكهربائية: التلفاز

(ج) ..... لفظ يطلق على أعلى نقطة في الجبل: القمة

(د) ..... سيارة تستخدم للعمل الزراعي في المزارع: الجرارة

4- «إن ازدادت مصاعب حياتي أتشرف بزيارة الإمام الثامن في مشهد و ألبأ إليه حتى أستعينه»:

(الف) اگر سختی‌های زندگی‌ام زیاد شود به زیارت امام هشتم در مشهد مشرف می‌شوم و به او پناه می‌برم تا از او یاری بجویم!

(ب) اگر مشکلات زندگی من زیاد شد به زیارت امام هشتم در مشهد مشرف می‌شوم تا به او پناه ببرم و از او یاری بخواهم!

(ج) اگر سختی‌های زندگی زیاد شود به زیارت امام هشتم در مشهد می‌روم و به او پناه برده تا مرا یاری کند!

(د) به زیارت امام هشتم در مشهد مشرف می‌شوم و به او پناه می‌برم تا او مرا یاری کند چنان چه مشکلات زندگی من زیاد شود!

5- «معلمان با دلسوزی به ما درس‌های سخت را یاد دادند:

الف) المَعْلَمَاتِ عَلَّمْنَا الدَّرُوسَ الصَّعْبَةَ مَشْفَقَاتٍ!

ب) عَلَّمْنَا المَعْلَمُونَ الدَّرُوسَ صَعْبَةَ مَشْفَقَاتٍ!

ج) عَلَّمْنَا المَعْلَمُونَ الدَّرُوسَ الصَّعْبَةَ مَشْفَقِينَ!

د) عَلَّمْنَا المَعْلَمِينَ الدَّرُوسَ الصَّعْبَ مَشْفَقًا!

6- «قال يوسف لأبيه: ... إني رأيت أحد عشر كوكباً و الشمس و القمر، رأيتهم لي ساجدين»

يوسف (ع) به پدر خود گفت:.....

الف) همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آن‌ها را برای خود سجده کنان دیدم!

ب) قطعاً من یازده ستاره را دیدم که همراه خورشید و ماه برایم سجده کنان بودند!

ج) من محققاً یازده تا از ستارگان را و نیز خورشید و ماه را رؤیت کردم که برای من در حال سجده هستند!

د) من قطعاً از بین ستارگان یازده تا را دیدم که همگی به همراه خورشید و ماه برایم در حال سجده کردن بودند!

7- و تَرَى الجبال تحسبها جامدةً و هي تمرّ مرّ السحاب» تدلّ الآية على.....

الف) حركة الأرض (ب) جمود الجبال (ج) إستقامة الجبل (د) عدم الحركة في الجماد

8- «إنَّ الشاعر الحقيقيّ يشجّع شباب مجتمعه على الانتعاع من فرص الحياة للوصول إلى المجد:

الف) شاعر واقعی جوانان جامعه خویش را به بهره‌بردن از فرصت‌های زندگی برای رسیدن به عظمت تشویق می‌کند

ب) شاعر حقیقی است که فرزندان اجتماع خدا را به بهره‌گیری از فرصت حیات برای وصول به مجد و عظمت تشجیع می‌کند!

ج) قطعاً شاعر حقیقی کسی است که فرزندان جامعه‌اش را به استفاده از فرصت‌های حیات برای دستیابی بر مجد و عظمت برمی‌انگیزد!

د) مسلماً یک شاعر واقعی جوانان اجتماعش را به غنیمت شمرن فرصت‌های زندگی برای دست یافتن بر مجد و بزرگی فرا می‌خواند!

9- «إنَّ الله قد أعطى الانسان كثيراً من النعم حتى يستطيع أن ينتفع بها في حياته:

الف) خداوند نعمت‌های کثیری را به انسان بخشیده است تا در زندگی‌اش از این نعمت‌ها بهره‌مند شود

ب) خداوند بسیاری از نعمت‌ها را به انسان عطا کرده است تا بتواند در زندگی خود از آن‌ها بهره‌مند گردد

ج) نعمت‌های کثیری را خداوند به انسان می‌دهد و او قادر خواهد بود در زندگی خود از آن‌ها استفاده کند

د) بسیاری از نعمت‌های الهی به انسان عطا شده است تا او بتواند از آن‌ها به نفع خود در زندگی استفاده کند

10- (أدعُ إلى سبيل ربِّك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن):

الف) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!

ب) به راه خدای خود بوسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان بوسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!

ج) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!

د) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بدمه، و با آنان با شیوهای بهتر مقابله کن!

11- عین الخطأ للفراغ لإيجاد أسلوب الحال: «وصل الموظفون إلى الدائرة.....»

الف) هم مستعجلين (ب) مستعجلين (ج) يستعجلون (د) و هم مستعجلون

12- عین ما ليس فيه الحال:

الف) كانت المديره واقفة أمام المدعوين في الصالة!

ب) إن الأعداء يقفون قرب بلدنا متربصين!

ج) كنت أنظر إلى المناظر الطبيعية مع صديقاتي متعجبة!

د) يصل شبابنا المجدون إلى المجد و العزة مغتنمي الفرصة!

13- عین الحال:

الف) اندفع شباب المسلمين إلى مراكز العلم فرحين

ب) نسأل الله أن يجعل السكينة في قلوب الخائفين

ج) خلق الله لنا في الدنيا من كل الموجودات زوجين اثنين

د) كان طلاب مدرستنا في أداء واجباتهم دووبين

14- عین الحال:

الف) يلعب الأطفال بعد إتمام الدرس فرحين كل يوم

ب) سأجتهد في أعمالي حقاً و أتوكل في ثمرتها على ربّي

ج) ابتسم المعلم في وجهي ابتساماً سرني كثيراً

د) يحاسب الطالب يوم الامتحان حساباً بدقه

## 15- عيّن الحال:

(الف) عندما نعيش خائفين من الموت،

(ب) الموت ليس مخوفاً كما يظنّ بعض الناس،

(ج) نفقد قدرتنا أمام مشاكل الحياة،

(د) وهذا هو الخوف الحقيقي الذي يقتلنا

## 16- عيّن ما ليس فيه «الحال»:

(الف) ليس العدو قادراً على أن يسيطر على شعبنا المقاوم

(ب) قطعت هذه الطالبة طريقها نحو المدرسة مُسرعة

(ج) نشاهد في أعماق البحار الظلمات متراكمة في طبقاتٍ

(د) اندفع المجاهدون إلى القتال متوكّلين على الله تعالى

## 17- عيّن الحال:

(الف) بعض الناس يُحبّون أن يُسافروا راكبين في القطار أو الطائرة

(ب) يُشجّع المعلم المثالي تلاميذه بأن يكونوا مثلاً صالحاً في الحياة

(ج) كان الطفل باكياً من أجل أمه و لكن لم يجدها في البيت

(د) العقل هبة من الله لأنه يُسبّب النجاة في أسوأ الحالات

## 18- عين ما ليس فيه الحال:

(الف) هذا رأى صحيح غير أنّ كثيراً من الطلاب لا يوافقون عليه

(ب) لماذا تتكاسل في دراستك و أنت طالب ذكي؟

(ج) لم يكن الضيف يستطيع أن يبقى في المدينة منتظراً

(د) كيف يمدح هذا الشاعر الحكام الظالمين و هو مسلم؟

## 19- عيّن الحال يختلف نوعها عن الآخرين:

(الف) مازلت أعمل الخير راجياً أن يتقبّله الله

(ب) بدأ بالكلام و هو يعلم أنّ الوقت سينتهي

(ج) تنقضى الأيام و هي لا تعود مرةً أخرى، فاغتنمها

(د) شرعت بمطالعة كتابي الجديد يتكلّم عن أسرار الخلقة

## 20- عَيْن «واو» الحالِيَّة:

الف) راجعت دروسى و أنا أحفظ قسماً منها

ب) قلت: و الله، ما عملت عملاً إلا لرضى الرحمن

ج) أسرع الطالب إلى البيت ماشياً و عاجلاً

د) وقفت فى الشارع و تأملت فى منظر جميل

## 21- عَيْن ما ليس فيه جمع التفسير:

الف) عين تبنى فى الدنيا من خشية الله تُنجى صاحبها من النار!

ب) إذا ضاقت عليك الحياة و صعبت الظروف فلا تفقد رجاءك!

ج) إنه من كتاب اشتهر فى العالم بسبب رواياته القصيرة!

د) فى الحياة أحوال لا تخضع لإرادة الإنسان أحياناً!

## 22- عَيْن عبارةً جاء فيها مضادّ للكلمة «يغلو»

الف) إذا تريد أن يرخص سعر هذا المحصول فلا تشتريه لمدة أسبوع!

ب) إن صدرى يضيق حين أراك حزيناً!

ج) كتابة هذه المقالة العلمية تضيف درجتك العلمية فى الجامعة!

د) كُن واثقاً أن ما يغنيك من الناس هو القناعة بما عندك!

## 23- «ليس علم البشر إلا وسيلة لاكتشاف قليل من الاسرار الغامضة فى العالم:

الف) علم بشر فقط وسیله‌ای است برای کشف اندکی از اسرار پیچیده در عالم!

ب) علم بشرى تنها وسیله است برای کشف اندکی از اسرار پیچیده عالم!

ج) علم بشر فقط برای کشف کردن اندک از اسرار پیچیده است در این عالم!

د) علم بشر وسیله‌ای نیست مگر برای کشف اندک از اسرار پیچیده در این عالم!

## 24- «الفرص القليلة فى حياتنا كصيد لا يصيده إلا ذو الهمة:

الف) فرصت‌های اندک در زندگی ما چون صیدی هستند که فقط صاحب همت آن را شکار می‌کند!

ب) در زندگی ما فرصت‌ها کم هستند، چون شکاری که جز دارنده همت، آن را صید نمی‌کند!

ج) فرصت‌های کم ما در زندگی گویی صیدی است که فقط توسط صاحب همت شکار می‌شود!

د) در زندگی ما فرصت‌های بسیار اندک چون شکار هستند که تنها به وسیله صاحب همت صید می‌شود!

## 25- «أخرجت الأفكار التي كانت قد اختفت في سجن ذهني و تنقست براحه مرة أخرى:

- (الف) افکاری را که در زندان ذهنم پنهان شده بود خارج کردم و بار دیگر به راحتی نفس کشیدم  
(ب) همه افکاری را که در گوشه ذهنم زندانی شده بود بیرون آوردم و برای مرتبه دیگری نفس راحت کشیدم  
(ج) افکاری را که در گوشه ذهنم پنهان بود خارج کرده برای یک مرتبه دیگر به راحتی نفس کشیدم  
(د) همه آن افکار را که در زندان ذهنی من زندانی بود بیرون کردم و دوباره نفسی راحت کشیدم
- 

## 26- «هناك نوع من النمل لا يستطيع أن يقاوم أمام أربعين درجة من الحرارة إلا عشر دقائق:

- (الف) نوعی مورچه وجود دارد که در برابر 40 درجه حرارت فقط 10 دقیقه می تواند مقاومت کند!  
(ب) یک نوع مورچه وجود دارد که در برابر بیش از 40 درجه حرارت تنها 10 دقیقه مقاومت می کند!  
(ج) یک نوعی از مورچه آن جا موجود است که در مقابل حرارت 40 درجه ای، به جز 10 دقیقه مقاومت نمی کند!  
(د) یک نوع از مورچه ها هستند که نمی توانند در مقابل حرارت بیش از 40 درجه بیش تر از 10 دقیقه مقاومت کنند!
- 

## 27- «عندما لا تشعر بخوف في أعماق ضميرك إلا الخوف من الله، عندئذ قد توكلت عليه حقاً:

- (الف) وقتی که در اعماق وجودت ترسی، جز ترس از خدا احساس نکنی، در این زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل کرده ای  
(ب) آن زمان به خدا اعتماد واقعی داری که در درونت هیچ ترسی جز ترس از خدا وجود نداشته باشد  
(ج) هر زمان ترسی، جز ترس از خدا در اعماق وجودت احساس نشد، پس آن گاه اعتماد تو فقط به خداست  
(د) هرگاه در درونت، جز از خدا از هیچ کس ترسی نداشته باشی، پس آن زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل داری
- 

## 28- عین الخطأ:

- (الف) لا تُؤخّر وقت صلاتك إلا للقيام بأمر الناس: زمان نمازهای خود را فقط برای انجام کار مردم به تأخیر بینداز  
(ب) إسعَ في كسب العلم حتى يرفع عملك علمك: در به دست آوردن علم تلاش کن تا عملت، علمت را بالا ببرد  
(ج) من يطلب مطلوبه يهجر نومه: هر کس مطلوب خویش را بجوید، از خواب خود دست می کشد  
(د) قصر أمانيك لأنه لا خير في كثرتها: آرزوهایت را کوتاه کن، زیرا در زیادی آن ها هیچ خیری نیست
- 

## 29- «أستشير الكذاب و ما هو إلا سرابٌ يُعرّف الحقيقةً إلينا على العكس»:

- (الف) آیا با دروغگو مشورت می کنی، در حالیکه او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی میکند!  
(ب) با دروغگو شور می کردم اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می کرد!  
(ج) آیا این دروغگویی که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می شناساند!  
(د) چگونه با دروغگو مشورت می کنی حال آنکه او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می شناساند!
-

30- « ما درختانی میکاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورندها». عین الصّحیح :

الف) نحن نغرس أشجاراً حتى يأكل الآخرون من ثمراتها!

ب) نحن نغرس الأشجار حتى من شعرائها يأكل الآخريين!

ج) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل آخرون من ثمرتها!

د) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكلوا الآخرون من ثمرتها!

31- عین المستثنى منه ليس محذوفاً:

الف) لما تحدثت مع أبي رأيت أنه لم ينس أصدقائي إلا ثلاثة منهم!

ب) ليس للشعاع الضوئي في البحر إلا سبعة ألوان!

ج) لم نر حين حركة البدر داخل الغيوم و خارجها إلا خمسة نجوم!

د) ما بدأ بالدراسات الطبيّة في السنّة الأربعين من العمر إلا واحد و هو الرازي!

32- عین ما ليس من أسلوب الاستثناء:

الف) ما أرجوه ألا يتّبع هذا المنهج!

ب) لا يقنص صيداً إلا المبادرون مع الفجر!

ج) ما نال مناه من ترك الحرص!

د) لا يغتنم قدر صفو الماء إلا الظمّان!

33- عین المستثنى منه محذوفاً:

الف) لا يجد الإنسان في خلقه هذا العالم إلا الحكمة

ب) أعطى المحسن طعامه إلى الفقير إلا قليلاً منه

ج) نجح التلاميذ في دروسهم إلا الذين لم يدرسوا جيّداً

د) يبدأ أفراد هذه الأسرة عملهم صباح الباكر إلا اثنين منهم

34- عین المستثنى منه محذوفاً:

الف) لم أشاهد في الضيافة إلا ضيفين كريمين من أقوامنا

ب) لم يركب المسافرون في السيارة إلا اثنين منهم

ج) نشعر بأنّ الناس يُزعجهم الكسل إلا قليلاً منهم

د) لن يفوز الطلاب في دروسهم إلا المجتهدين منهم

### 35- عيّن المستثنى منه محذوفاً:

- (الف) لا يثور ضد الظلم و الظالمين في العالم إلا المؤمنون  
(ب) ما كان المدير قد قبل جميع الموظفين إلا واحداً منهم  
(ج) لم يتأمل أغلب الناس حول خلقتهم إلا العقلاء منهم  
(د) ما راقبت الأمُ أعمال أولادها اليوم إلا لعبهم الكثير

### 36- عيّن المستثنى يختلف نوعه عن الباقي:

- (الف) قال الطبيب لي: لكل مرض دواء إلا الموت  
(ب) لن يحصل على التّقدم إلا من اجتهد و ابتعد عن الكسل  
(ج) ليست الحياة إلا مرحلة مملوءة بالمصاعب و المشاكل  
(د) لم تكن في المجلة إلا قصة عن المروءة و الفتوة

### 37- عيّن المستثنى يفرق نوعه عن الباقي:

- (الف) كلّ وعاء يضيق بما جعل فيه إلا وعاء العلم  
(ب) لا تنصح المُقصر إلا بالتلطف و اللين  
(ج) ما علينا إلا تطبيق الأمور على طريقته الصحيحة  
(د) لا ترفع صوتك إلا أمام الظالم

### 38- عيّن الصّحيح عن قراءة الكلمات في العبارات التّالية:

- (الف) لَيْتَ الطُّلَّابِ ابْتَعَدُوا عَنِ التَّكَاسِلِ!  
(ب) مَهْدَى فَائِزٌ فِي مُسَابَقَةِ كُرَّةِ الْقَدَمِ!  
(ج) لَا لِيَّاسٌ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ!  
(د) لَعَلَّ السَّلَامُ يَسْتَقِرُّ فِي الْعَالَمِ!

### 39- هذه المصاييح ذات ألوانٍ متعدّدة تُحوّلُ ظلام البحر إلى مُضيء فتساعد الغوّاصين في التقاط صُورٍ! عيّن الصّحيح عمّا

أشير إليه بخطّ:

- (الف) الغوّاصين: اسم، الجمع السالم للمذكّر، اسم مبالغة / مفعول به و منصوب  
(ب) متعدّدة: اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل من باب تفعيل / صفة و مجرور  
(ج) تُحوّلُ: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من صدر «تحويل»، مبنى للمجهول / فعل و فاعله «ظلام»  
(د) مُضيء: اسم، مفرد، مذكّر، اسم فاعل من فعل مزيد / صفة و مجرور

#### 40- رَبِّ الْحَقْنَى بِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ: عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

(الف) عِيَاد: اسم، جمع تكسير (مفرد: عبد) / مجرور بحرف جر

(ب) أَلْحَقْ: فعل أمر، مجرد ثلاثي، متعد، للمخاطب / فعل و فاعله ضمير بارز

(ج) ي: ضمير، للمتكلم وحدة / فاعل لفاعل «أَلْحَقْ»

(د) الصَّالِحِينَ: اسم، جمع سالم، اسم فاعل من المزيد الثلاثي / صفة و مجرور

#### 41- «كُلَّ عَمَلٍ عَظِيمٍ، وَ إِن يَبْدُو فِي الْبَدَايَةِ أَمْرًا مُسْتَحِيلًا وَ لَكِنَّا إِن صَبَرْنَا عَلَيْهِ صَبْرًا فَسَنَجِدُهُ فِي النَّهَايَةِ سَهْلًا جَدًّا»:

(الف) هر کار بزرگی، هر چند در ابتدا، امری محال به نظر می‌رسد، ولی اگر واقعاً بر آن صبر کنیم در نهایت آن را بسیار آسان خواهیم یافت!

(ب) آن کار بزرگ، هر چند در ابتدا امر محال به نظر می‌رسد ولی اگر بسیار بر آن صبر کنیم سرانجام آن را آسان می‌یابیم

(ج) انجام همه‌ی کارهای بزرگ، هر چند در ابتدا، امر غیرممکن، به نظر می‌آید، ولی اگر به خوبی بر آن صبر کنیم، در نهایت آن را آسان می‌یابیم!

(د) انجام دادن کار بزرگ، هر چند در ابتدا، امری غیرممکن، به نظر می‌آید، ولی اگر بسیار بر آن صبر کنیم سرانجام، آن را خواهیم یافت!

#### 42- «قَدْ جَهَّزَ الْخَالِقُ تَعَالَى الْإِنْسَانَ بِحَاسَّةٍ مَعْنَوِيَةٍ مَجْهُزٍ سَاخْتَه تَا بَه وَسِيلَهَى أَن خُوب رَا اَز بَد تَشْخِصِ صَحِيحِي بَدَهْد»:

(الف) خدای متعال انسان را به حسی معنوی مجهز ساخته تا به وسیله‌ی آن خوب را از بد تشخیص صحیحی بدهد

(ب) خدای تعالی در انسان حس معنوی‌ای قرار داد تا به وسیله‌ی آن نیکی را از بدی به درستی جدا کند

(ج) قطعاً خداوند، رشد انسان را به احساسی درونی تجهیز کرد تا کار نیک را از بد، به آسانی مجزاً کند

(د) قطعاً خداوند تعالی انسان را به کمک احساسی درونی مجهز می‌نماید تا با آن خوب بودن را از بد بودن، تمییز صحیح بدهد

#### 43- يَقُولُونَ إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أَمْرٌ مُسْتَحِيلٌ وَ لَكِنَّا إِن عَرَفْنَا أَنفُسَنَا فَقَدْ عَرَفْنَا رَبَّنَا مَعْرِفَةً حَقِيقَةً»:

(الف) می‌گویند شناخت الله کاری غیرممکن است، ولیکن ما اگر خود را بشناسیم پروردگار خود را حقیقتاً می‌شناسیم

(ب) می‌گفتند که شناخت خداوند مسئله‌ای ناممکن است، ولی معرفت به خود، حقیقتاً معرفت به خدا را در پی دارد

(ج) گفته می‌شود که معرفت الله امری محال است، ولی شناخت خود ما را به طور حقیقی به شناخت پروردگار رهنمون خواهد کرد

(د) گفته می‌شود که پی‌بردن به وجود خداوند امری نشدنی است، ولیکن زمانی که ما به وجود خود پی ببریم در حقیقت به وجود خدا پی برده‌ایم

#### 44- إِن قَلْبِي يَطْمئنُ أَطْمِنَانًا تَامًا لِأَنَّ مَحَاوَلَاتِي كُلَّهَا كَانَتْ مِنَ الْبَدَايَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»:

(الف) همانا دل من کاملاً اطمینان دارد زیرا همه‌ی تلاش‌هایم از ابتدا در راه خدا بوده است

(ب) قطعاً دل من از ابتدا اطمینان کامل داشت، چه جمیع تلاش‌های من در طریق الله می‌باشد

(ج) قطعاً قلب من اطمینان کامل دارد، زیرا تمام کوشش‌های من از آغاز برای خدا بوده است

(د) همانا قلبم از آغاز کاملاً با اطمینان بود، چه کل کوشش‌هایم برای الله می‌باشد

#### 45- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(الف) يَلِجُ فِي ذَلِكَ بَعْضُ الْبِلَادِ بَدُونَ تَفَكُّرٍ،: بَعْضَى كِشُورَهَا بَدُونَ تَفَكُّرٍ بَرِ أَنْ اِصْرَارِ مِي وِرزَنْد،

(ب) الحرب خطر كبير خاصته بعد الهزيمة،: جنگ، مخصوصاً بعد از شکست، خطرناک است،

(ج) نَ وَقَعَ فِيهَا بَدُونَ تَأْمَلٍ اِبْتَعَدَ عَنِ الْحَزْمِ،: هر کس بدون تأمل در آن افتاد احتیاط از او دور شده است،

(د) و هذا عامل الهدم و الدمار و قتل الأبرياء، و این عامل ویرانی و نابودی و کشته شدن بی گناهان خواهد شد،

#### 46- من عرف الدنيا معرفةً حقيقيةً، لا تخدع قلبه ظواهرها الخلابه:

(الف) کسی که دنیا را به طور واقعی بشناسد، ظواهر دلربای آن قلبش را نمی فریبد

(ب) اگر کسی واقعاً دنیا را بشناسد، ظاهر دلربایش او را فریب نمی دهد

(ج) آن که حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فریبندهی آن فریبش نمی دهد

(د) آن کسی که دنیا را عمیقاً شناخت، به ظواهر خوش آن دل خوش نمی کند

#### 47- «ای فرزندان من، شما باید در کارهایتان بسیار تلاش کنید»

(الف) یا اولادی علیکم أن تجتهدوا فی أعمالکم اجتهاداً بالغاً

(ب) ابناءئی حاولوا فی أمورکم محاولهً کثیراً

(ج) یا اولاد إسعوا فی أعمالکم الکثیره سعیاً

(د) یا بناتی یجب علیکن الاجتهاد فی الأمور الکثیره

#### 48- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ:

(الف) واحذر أن تكون الطيور و الأسماك أكثر منك تسبيحاً،

(ب) الكون يُسَبِّحُ رَبَّهُ تَسْبِيحاً،

(ج) فاذكُرْ رَبَّكَ مَعَ الْكُونَ ذِكْراً،

(د) واذكُرْ بجوارك ذكراً حتّى تجد الأمن و الراحة

#### 49- عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ:

(الف) إن أعددت نفسك للفشل فلا تتوقع الانتصار توقفاً

(ب) وثقت بصديقي ثقته أعتمد عليها طول حياتي

(ج) عد وعدة تقدر أن تقوم بها جيداً حتّى تصبح أسوة

(د) لا عمل كالمثابرة، فاجتهد اجتهاداً يوصلك إلى أهدافك

## 50- عَيْنُ التَّأْكِيدِ لَوْقُوعِ الْفِعْلِ:

(الف) إنه يُحَسِّنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ إِحْسَانًا وَ قَدْ تَجَرَّعَتْ نَفْسَهُ فَقَرَأَ كَثِيرًا فِي حَيَاتِهِ

(ب) حاول هذا التلميذ في دروسه ليلاً و نهراً حتى يكتسب درجات عالية فيها

(ج) يفتح الله للمؤمنين فتحاً ميبناً حتى يصمدوا أمام المشكلات برؤوس مرفوعة

(د) بدأت الأم تنظر إلى لعب أطفالها بدقّة و كانت البهجة و السرور على وجهها

## 51- عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

(الف) لماذا تنظر إلى نظراً مملوءاً بالتعجب هكذا؟

(ب) سأعود عند أبي معتذراً، و أنا لم أعتذر منه حتى الآن

(ج) كنت خائفاً من حرارة الشمس الشديدة في هذا اليوم الحارّ

(د) اليوم وُلدت من جديد لما تعلّمت منك درساً جديداً لن أنساه أبداً

## 52- عَيْنُ مَا فِيهِ اهْتِمَامٌ وَ عِنَايَةٌ عَلَى «تَأْكِيدِ الْفِعْلِ» فَقَطْ:

(الف) كان الوالدان يشجعان ولدهما على التحلي بالأخلاق الحسنة تشجيعاً

(ب) تسير قافلة الليل و النهار من دون توقّف مُسرّعة

(ج) ساعدني أحد الأصدقاء مساعدةً أشكره عليها طول حياتي

(د) وقف الحاضرون في وسط الساحة مستعدين لإكرام المدعوين

## 53- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

(الف) سألتني معلّمي يوماً من أيام الدراسة موضوعاً مهماً،

(ب) ماذا فعلت إلى الآن حتى يذكروك في المستقبل ذكراً جميلاً؟

(ج) إن لا تستطع أن تجيب على هذا السؤال إجابته في الأربعين من عمرك،

(د) فأنت قد ضيّعت حياتك في سنواتك الماضية تضييعاً

## 54- عَيْنُ «صَبْرًا» جَاءَ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ:

(الف) إذا استطعت أن تصبر صبراً كثيراً على المصائب يجزيك الله خيراً

(ب) لم أشاهد صبراً أكثر من صبر الأمّهات الكثير

(ج) إنّه صبر المصيبة و كان صبره صبراً محموداً

(د) إذا كان صبرك صبراً جميلاً يوفّقك الله في الدنيا و الآخرة

55-طالبوا العلم في بلادنا تقدّموا في جميع المجالات .....» عيّن المناسب لبيان نوع الفعل:

الف) تقدّمًا لم يكن له نظير (ب) علمياً و خلقياً (ج) متقدّمين مجتهدين (د) تقدّمًا

---

56-عيّن ما فيه تأكيد للفعل:

الف) من أبعده لسانه عن الكذب، يصدّق كلامه تصديقاً

ب) على الإنسان أن يكرّم من علمه تكريماً حسناً

ج) أفرغ قلبك من الحسد، ليبقى إيمانك بقاء غير زائل

د) إجعل من أموالك صدقة تُحاسب في الآخرة حساباً أسرع

---

57-«قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ»:

الف) بگو در زمین سیر کنید پس ببینید [خداوند] چگونه آفرینش را آغاز کرد!

ب) بگو بر روی زمین حرکت کنید و بشگردید چگونه خلقت آغاز شده است!

ج) بگو بر روی زمین سیر کنید تا ببینید چگونه آفرینش آغاز شده است!

د) بگو در زمین بگردید و خواهیددید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرده است!

---

58-«إِنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ فَلَا تُحَاوَلْ عِبْثًا أَنْ تَنَالَ رِضَى الْجَمِيعِ مِنْ حَوْلِكَ!»:

الف) خشنود ساختن مردمان هدفی است که دست یافته نمی‌شود، پس بیهوده تلاش مکن که به خشنودی همه کسانی که در اطرافت هستند، برسی!

ب) رضایت مردمان هدفی است که به آن دست پیدا نمی‌کنی، بنابراین بیهوده تلاش مکن که به رضایت همه آنانی که در اطرافت هستند، برسی!

ج) گویی خشنودی مردم هدفی است که دست یافته نخواهد شد، پس بیهوده تلاش نکن که همه آنانی را که در پیرامونت هستند، راضی کنی!

د) رضایت مردم گویی هدفی است دست‌نیافتنی، پس تلاش بیهوده نکن که به راضی کردن همه کسانی که در پیرامونت هستند، برسی!

---

59-«أَنَّ السِّيَاحَ يَأْتُونَ إِلَى مَنَاطِقِ إِيْرَانِ الْخَلَابَةِ كَالشَّوْطِي وَ الْغَابَاتِ لِقِضَاءِ الْعُطْلَاتِ!»:

الف) گردشگران برای گذراندن تعطیلات به منطقه‌های دلربای ایران همانند سواحل و جنگل‌ها می‌آیند

ب) گردشگران برای گذراندن تعطیلات به منطقه‌های جذاب ایران از جمله ساحل دریا و جنگل‌ها سفر می‌کنند!

ج) برای گذراندن تعطیلات، گردشگران به مناطق جذاب ایران مانند سواحل و جنگل‌های آن سفر می‌کنند!

د) برای گذراندن تعطیلات، گردشگران به مناطقی دلربا در ایران مانند سواحل دریاها و جنگل‌ها می‌آیند!

---

### 60- «لقد دلَّ حيوانُ الإنسانِ على خواصِّ بعضِ الأعشابِ الطيبَةِ يعرفها بغريزته!»:

- (الف) حیوانی انسان را به خواصّ برخی گیاهان دارویی راهنمایی کرده است که با غریزه‌اش آن‌ها را می‌شناسد!  
(ب) شاید انسان به خواصّ گیاهان دارویی به وسیله حیوانی آشنا شود که آن‌ها را با غریزه خود می‌شناسد!  
(ج) حیوانی که با غریزه خواصّ برخی گیاهان دارویی را شناخته است انسان را به آن راهنمایی می‌کند!  
(د) راهنمای انسان به خواصّ برخی گیاهان دارویی، حیوانی است که آن‌ها را با غریزه خوبش شناخته است!
- 

### 61- «الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» عَيِّنْ مَا يُنَاسِبُ مَفْهُومَ الْعِبَارَةِ:

- (الف) رَأَيْتُ الدَّهْرَ مُخْتَلِفًا يَدُورُ / فَلَا حَزْنَ يُدُومُ وَ لَا سُرُورَ  
(ب) يوم العدل على الظالم أشدّ من يوم الجور على المظلوم!  
(ج) عسى أن تكرهوا شيئاً وهو خير لكم  
(د) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا!
- 

### 62- «كشاورزان از چاه روستا آبی را استخراج می‌کردند!»:

(الف) الفلّاحون كانوا يستخرجون ماء من بئر القرية!

- (ب) كان الفلّاحون يستخرجون الماء من بئر في القرية!  
(ج) إنّ المزارعون يستخرجون الماء من بئر القرية!  
(د) كان المزارعون استخراجوا ماء من بئر في القرية!
- 

### 63- قد يلقي الشاب نفسه بسبب أخطائه في بئر، الخروج منها صعب كثيرًا:

(الف) گاهی جوان به خاطر اشتباهاتش خود را در چاهی می‌اندازد که خارج شدن از آن بسیار دشوار است!

- (ب) آن جوان که برای اشتباهاتش خود را در چاه می‌اندازد، بیرون آمدنش از آن خیلی دشوار است!  
(ج) آن جوان به خاطر خطاهایش گاهی خویشتن را در چاهی می‌بیند که خروج از آن سخت است!  
(د) گاهی یک جوان به علت اشتباهاتش خود را در چاهی می‌بیند که بیرون آمدن از آن خیلی سخت می‌باشد!
- 

### 64- لا دين للمتولّن و إن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال ديانتہ:

(الف) انسان دورو هیچ دینی ندارد، اگر چه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!

- (ب) هیچ دینی ندارد آن کس که دورنگ است و به کمال دینداری‌اش تظاهر کرده و باعث اشتباه تو شو  
(ج) کسی که چندرنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!  
(د) آن که دورو است دین ندارد، هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!
-

65-مفتاح الهدوء هو أن نعلم أنه لا أثر لرأى الآخرين في حياتنا:

الف) كليلد آرامش آن است كه بدانيم نظر ديگران هيچ تأثيرى در زندگى ما ندارد!

ب) كليلد آرامش، يعنى مى دانيم براى رأى ديگران در زندگى ما اثرى وجود ندارد!

ج) كليلد آرام بودن اين است كه نظر ديگران در زندگى ما هيچ تأثيرى ندارد!

د) كليلد آرام بودن آن است كه مى دانيم براى رأى ديگران در زندگى ما اثرى وجود ندارد!

66-كاش مى توانستم تحصيل خود را ادامه بدهم تا براى جامعه از امروز مفيدتر باشم:

الف) ليتنى كنتُ أستطيع أن أُدِيمَ دراستى لأكون أنفع للمجتمع من اليوم

ب) ليتنى إني أريد أن أُدِيمَ تحصيلى و أكون نافعاً من اليوم للمجتمع

ج) ليتنى إني قادر أن أواصل دراستى و أكون أنفع من اليوم للمجتمع

د) ليتنى كنتُ أقدر أن أستمرّ على تحصيلى حتى أكون نافعاً للمجتمع مثل اليوم

67-عيّن الصحيح عن نوع «لا»:

الف) هذا موضوع لا علم لى به: النَّافِيَةُ لِلجِنْسِ

ب) يجب أن لا تقول شيئاً يُوقعك فى مشكلة: النَّاهِيَةُ

ج) إن الله لا يُضِيع أجر المحسنين: النَّاهِيَةُ

د) لا تسبوا معبودات المشركين: النَّافِيَةُ

68-عيّن حرفاً جاء لتأكيد الجملة:

الف) قال لنا المعلم: إن الامتحان سيجرى فى وقته المحدد!

ب) إن تشرب هذا الدواء ستتحسن حالك!

ج) كأن إرضاء جميع الناس غاية مستحيله!

د) لعل السماء تمطر هذا اليوم فتذهب بالتلوث!

69- أنتم مجتهدون فى القيام بأموركم «عيّن الصحيح مع «ليت»:

الف) ليتكم مجتهدون..... ب) ليت أنتم مجتهدون..... ج) ليتكم أنتم مجتهدين..... د) ليتكم مجتهدين.....

70- عيّن «لا» النافية للجنس:

الف) اليوم لا طالبة في المدرسة!

ب) لا تطلبوا إلا أعمال الخير!

ج) أتعلم أن الله على كل شيء محيط!

د) لم تقول ما لا تعلم، أيها الإنسان!

71- عيّن الصّحيح للفراغ (حسب إعراب العبارة): «..... المسلمون متّحدين أمام الأعداء!»:

الف) إنّما ب) ليس ج) إنّ د) لعلّ

72- عيّن الخطأ لتكميل الفراغات:

الف) لا لباس ..... من العافية للإنسان! أجمل

ب) هذا ..... البعث الذي ما كنتم تعتقدون به! يوم

ج) إنّ الله ..... بما تخفونه في قلوبكم! علّام

د) إنّما المسلمون ..... فأصلحوا بين أخويكم! إخوة

73- «لا شيء أحسن من العفو عند القدرة!» بّدل العبارة مع «إنّ»:

الف) إنّ العفو عند القدرة حسن! ب) إنّ العفو عند القدرة حسن! ج) إنّ العفو عند القدرة حسناً! د) إنّ العفو عند القدرة حسناً!

74- عين الكلمة التي تكمل جملة ما قبلها:

الف) ولكنّ لصاحب المال أعداء كثيرين،

ب) نعلم أنّ للعالم أصدقاء كثيرين،

ج) إنّ العلم أحسن من المال،

د) هذا هو الفرق بين العلم و المال!

75- عين الصحيح عن «لا» النافية للجنس:

الف) لا شعب من شعوب العالم إلا و له طريقة للعبادة!

ب) لا العزة إلا لربنا الرحيم الذي له كل شيء!

ج) لا أتذكّر زمان ذهبنا إلى تلك الجولة العلمية!

د) لحياء و عفاف و أدب إلا لعقل ثابت!

76- عَيِّن الصَّحِيح (حسب إعراب الكلمات):

الف) لاعِبَادَةً أَحْسَنُ مِنَ التَّفَكُّرِ إِلَى اللَّهِ!

ب) كَلْنَا نَدْرِي جَيِّدًا أَنَّهُ لَيْسَ الْكَذْبُ نَافِعٌ لَنَا فِي الْحَيَاةِ!

ج) لَعَلَّ الطَّالِبَانَ يَحَاوِلَانِ لِمُسَاعَدَةِ زَمِيلِهِمَا!

د) إِنَّ طُلَّابَنَا مَجْتَهِدِينَ فَيُمْكِنُ أَنْ نَتَقَدَّمَ فِي أُمُورِنَا!

77- عَيِّن الخَطَأَ عَنْ نَوْعِيَّةٍ وَالمَحَلِّ الإِعْرَابِيَّ لِكَلِمَةٍ (الصَّالِحَةُ):

الف) اسْمٌ ، مَفْرُودٌ ، مُؤنَّثٌ ، اسْمٌ فاعِلٌ مِنْ فِعْلِ أَصْلَحَ

ب) اسْمٌ ، مَعْرِفَةٌ / صِفَةٌ

ج) اسْمٌ فاعِلٌ وَ مَصْدَرُهُ صُلِحَ / مَوْصُوفُهُ صِفَةٌ

د) اسْمٌ ، مُؤنَّثٌ ، جَمْعُهُ الصَّالِحَاتُ / صِفَةٌ

78- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنْ نَوْعِ (لا):

الف) مَنْ لَا يُكْرِمُ نَفْسَهُ لَا يُكْرِمُ (النَّافِيَةُ - النَّافِيَةُ)

ب) لَا تَتَكَلَّمْنَ يَا طَالِبَاتِي! لَا نَجَاحَ لِمَنْ لَا تَسْتَمِعُ الدَّرْسَ (النَّاهِيَةُ - النَّافِيَةُ)

ج) لَا تُعَاشِرِ السُّفَهَاءَ لئَلَّا يَسْرِقَ طَبْعُكَ مِنْ طِبَاعِهِمْ سَفَاهَةً (النَّاهِيَةُ - النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ)

د) عَلَيْكُمْ أَلَّا تُسْرِفُوا لِأَنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (نَهْيٌ - نَهْيٌ)

79- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنْ كَلِمَةٍ (تَوَاضَعُوا):

الف) فِعْلٌ أَمْرٌ ، دَوْمٌ شَخْصٌ جَمْعٌ ، مِنَ النِّوعِ الثَّانِي ، بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ إِثْنَيْنِ

ب) فِعْلٌ مَاضٍ ، سَوْمٌ شَخْصٌ جَمْعٌ ، بَابُ تَفَاعُلٍ

ج) فِعْلٌ أَمْرٌ ، بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ ، مَصْدَرُهُ مُتَوَاضِعٌ

د) فِعْلٌ مَاضٍ ، سَوْمٌ شَخْصٌ جَمْعٌ ، بَابُ مُفَاعَلَةٍ